

حضور حاجی میرزایی در منزل علی قائمی و سیدضیالالدین صدری دو بازنشسته فرهنگی

دیدار با دو کوه تجربه

تهران (پانا) - محسن حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش در راستای تکریم فرهنگیان بازنشسته، سه‌شنبه شب با علی قائمی و سیدضیالالدین صدری دو بازنشسته فرهنگی دیدار و با اهدای تندیس از خدمات ارزشمند آن‌ها در طول دوره خدمت قدردانی کرد.

پرویز پیکری؛ خبرنگار پانا - چین و چروک صورتش نشان از پیری دارد و راه طولانی‌اش؛ که در زندگی پیموده است. لرزان راه می‌رود، ۸۲ سال سن دارد. آقای علی قائمی ۶۰ سال معلم بوده و ۸ سال می‌ساختی می‌تواند ببیند و سوی چشم‌های کم شده؛ مهمان‌هایش را از صدای‌شان تشخیص می‌دهد، اگر صدای کسی را نشناسد باید خود را به او معرفی کند. مدام ذکر می‌گوید: «لا اله الا الله، خدا را شکر، الحمد لله رب العالمین». بین تمام صحبت‌هایش این اذکار را تکرار می‌کند. چند باری صدای خود را ترک می‌کند و می‌رود در راه باز کند، مدام تاکید می‌کند: «مدام بگویند در راه من باز کنم».

در ساختمان محل سکونتش، اتاقی روبه‌روی واحدش دارد که بیشتر ساعات عمر خود را در آن گذرانده است. وارد اتاق که می‌شود؛ شویم انبوهی از کتاب‌ها را در قفسه‌های چوبی می‌بینیم، تعداد زیاد لوح‌های تقدیر بر روی قفسه‌های کتاب توجه همه را به خود جلب می‌کند و گلدانی با گل‌های رز آبی هم در اتاق خودنمایی می‌کند. میزی چوبی و چند صدلی در وسط کتاب‌خانه‌اش گذاشته و دورش را کوهی از کتاب‌های ادیان، اسلام، نبوت، تشیع، توحید، امامت، غدیر، معاد، نهج‌البلاغه، تفسیر قرآن، مبانی علم، انسانی‌شناسی، معنای زندگی، خانواده، روانشناسی، تربیت، حدیث، مدیریت، اقتصاد، تاریخ اسلام و عنوان‌های متعدد دیگر احاطه کرده است. ساعت اتاقش از کار افتاده و گویی دیگر حواسش به گذشت زمان نیست. در ورودی اتاقش می‌ایستد به انتظار آمدن مهمانانش. در این نقطه از اتاق، کتابی با عنوان ره توشه آخرت با سبزی متفاوت از دیگر کتاب‌ها نگاه‌ها را به سمت خود می‌کشاند.

رادیوی خاک‌خورده در زیر کتاب‌هایش نشان می‌دهد که مدت‌هاست به آن گوش نداده اما ذره‌بین روی نوشته‌هایش نشان از مطالعه و نوشتن شبانه‌روزی او دارد. فکس و تلفنی کنار میزش هست. می‌نشیند برای نوشتن. خودش تعریف می‌کند صبح‌ها که بیدار می‌شود تا ۱ نصف شب مشغول مطالعه و نوشتن است. به قول خودش «در تمام سال‌های زندگی دیوانه مطالعه بوده». می‌گوید دکتر از او خواسته برای بهبود چشمانش مطالعه را کنار بگذارد، اما او این کار را مساوی با مرگش دانسته و دنبال راهی برای ادامه مطالعه بیشتر گشته است. در میان همین صحبت‌ها بود که از صدای رفت و آمدها و خوشامدگویی‌ها متوجه شد مهمان ویژه‌اش از راه رسید؛ برای همین علی قائمی با گام‌های لرزان به استقبال محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش رفت.

علی قائمی معلم بازنشسته‌ای است که سال‌هاست ساعات بیشتر عمر خود در میان کتاب‌ها در منزل شخصی خود در منطقه اقدسیه تهران می‌گذراند. متواضع است و آرام سخن می‌گوید و از آمدن وزیر بسیار خوشحال است. بلافاصله سر صحبت را با وزیر آموزش و پرورش باز می‌کند و از سال‌های فعالیت و خدمت خود می‌گوید. نمی‌گوید کتاب می‌نویسم می‌گوید «مشتق می‌گویم»؛ دیگران چاپ می‌کنند؛ تاکنون ۲۰۰ جلد کتاب چاپ کرده، دوره ۱۳۵ جلدی دایره‌المعارف اصول و نظام تربیت را هم رمضان سال گذشته تمام کرده و در حال تجدیدنظر بر روی نوشته‌هایش است تا آماده چاپ شود. ۱۵ جلد کتاب هم درباره طرز فکر اسلام نوشته است.

قائمی از خاطراتش برای محسن حاجی‌زادگان؛ میرزایی تعریف می‌کند. او در سال ۱۳۴۸، رئیس جامعه تربیت اسلامی بوده، ۲۱۲ مدرسه اسلامی در کل کشور که سالانه از هر مدرسه تعدادی را به عنوان افراد نمونه (حدود ۷۰۰ نفر) انتخاب می‌کردند و در تهران دوره معلمی را به آن‌ها آموزش می‌دادند. کلاس‌هایی که به گفته این معلم بازنشسته آیت‌الله زاهدی، آیت‌الله مرحوم بهشتی و شهید باهنر، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله وحید خراسانی و دکتر کاردان در این کلاس‌ها حضور داشته و شرکت کرده‌اند.

نوشته‌ای در کتابخانه سوربون فرانسه که جرقه ایجاد کرد

اسلام‌شناسی مهمترین حوزه فعالیت قائمی است و در این باره کتاب‌های زیادی مطالعه کرده و تالیفات زیادی از جمله ۱۴ جلد درباره تفکرات ائمه معصومین دارد که به زبان اردو و هم ترجمه شده است. او می‌گوید در زمان اوج گرفتن فعالیت منافقین در سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب هم کتابی با عنوان جوان‌ها و لغزش‌های سیاسی نوشته اما اکنون به ندرت تجدید چاپ می‌شود.

او پایه‌گذار شورای عالی جوانان بوده و برخی از کتاب‌های او مربوط به آن دوران است. برای وزیر آموزش و پرورش آرزوی توفیق و خدمت بیشتر دارد و می‌گوید ۱۳۵ جلد کتابش را با عنوان اصول و مبانی تربیت اسلامی وقف جمهوری اسلامی کرده است. قائمی از کار معلمی راضی و خدا را شکر می‌کند که معلم بوده است.

این معلم بازنشسته در ادامه، چشمانش را بسته و رو به وزیر آموزش و پرورش تعریف می‌کند زمانی در دانشگاه سوربون فرانسه در کتابخانه پارچه‌ای را مشاهده کرده که اسم کتابی با عنوان تربیت بدون مرز را که مربوط به کشور لوکزامبورگ بوده، بزرگ چاپ کرده‌اند، در همان زمان جرقه‌ای در او ایجاد می‌شود که این تربیت بدون مرز تربیت اسلامی است و در همانجا شروع به گریه کردن می‌کند. او می‌گوید: «خدا خواستم عمری به من عطا کند تا کتاب تربیت اسلامی را بنویسم. از همان سال‌ها، زمان خود را به دو بخش، نوشتن تز دکتری و کار بر روی کتاب تربیت اسلامی تقسیم کردم».

وزیر آموزش و پرورش که با دقت خاصی به حرف‌های این معلم گوش داده است، در ادامه گفت: «وگوشان از احوالش و وضع جسمانی‌اش هم می‌پرسد و او هم با تبسمی بر لب می‌گوید: «باید در اتاقم قدم بزنم، یک ماه است به حیاط خانه‌ام نرفته‌ام، نمی‌توانم از پله پایین بروم و جایی را نمی‌بینم. ولی همسرم بی‌نا است. اگر جایی بخواهم سخنرانی کنم مرا داخل ماشین می‌گذارد سفارش می‌کند تحویلیم دهند و دوباره تحویلیم بگیرند».

علی قائمی می‌گوید از کارها و فعالیت‌های وزیر مطلع است. او بر لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر برای تربیت معلمان تاکید می‌کند و می‌گوید: «باید زنده‌ترین انسان‌ها معلم شوند و تربیت اسلامی رواج و رونق پیدا کند». او برای وزیر آموزش و پرورش آرزوی سربلندی بیشتر دارد. وزیر هم با آرزوی سلامتی برای این معلم شایسته و تاکید بر توانمندی، منزلت و معیشت معلمان، او را در آغوش می‌گیرد و با اهدای تندیس از علی قائمی قدردانی می‌کند. تازه متوجه شده بودم که این معلم کتاب‌هایی را که در کنار گل‌های رز آبی چیده بود برای وزیر آموزش و پرورش کنار گذاشته بود تا به او تقدیم کند. آن‌ها بار دیگر همدیگر را در آغوش می‌کشند و از هم خداحافظی می‌کنند.

دیدار با اولین مدیرکل آموزش و پرورش تبریز در تهران

از شمال شرقی تهران راهی وارد مرکز تهران یعنی خیابان دامپزشکی می‌شویم، جایی دیگر از شهر که قرار است وزیر آموزش و پرورش برای ساعتی مهمان یک معلم بازنشسته دیگر باشد. سیدضیاءالدین صدری نیز در جمع صمیمی خانواده‌اش از محسن حاجی‌زادگان استقبال می‌کند. او اولین مدیرکل آموزش و پرورش تبریز بوده و اکنون که به دوره کهن‌سالی پا گذاشته است، از کسالت جسمی و حالش با وزیر آموزش و پرورش سخن می‌گوید. تا سال گذشته در مراکز مختلف، به عنوان مشاور خانواده فعالیت داشته ولی اکنون دیگر فعالیتی ندارد.

سیدضیالالدین صدری خاطراتش را از سال ۱۳۷۵؛ های فعالیت خود در آموزش و پرورش بازگو می‌کند، خاطرات غرورآفرینی که وزیر آموزش و پرورش ضمن تصدیق آن ۱۳۷۵؛ ها، صدری و امثال او را در تعلیم و تربیت نعمت بزرگی می‌داند. وزیر آموزش و پرورش به این معلم بازنشسته و خانواده او می‌گوید: «سابقه شما در حوزه تعلیم و تربیت بسیار درخشان است و فعالیت آقای صدری در هر سمتی در آموزش و پرورش همواره با توفیق همراه بوده است.»

مردی که معلمی را به سفیری ترجیح داد

همسرش بیشتر درباره سیدضیالالدین صدری می‌گوید و افتخارات همسرش را برای حضار بازگو می‌کند؛ تندیسی را که در سال ۱۳۷۵؛ های فعالیت ۱۳۷۵؛ صدری به عنوان چهره ماندگار فرهنگی از سیدمحمد خاتمی دریافت کرده است به میان جمع می‌آورد. او می‌گوید صدری پله پله همه مراحل را طی کرده، چند بار پیشنهاد شده تا سفیر شود اما ایشان همیشه آموزش و پرورش را ترجیح می‌دادند.

او در میان حرف ۱۳۷۵؛ هایش اما با حالت رضایت به زندگی ساده خود با این معلم بازنشسته اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعد از این همه سال کار صدری و بعد از این همه فعالیت واحدی در یک آپارتمان در خیابان دامپزشکی داریم. حتی یک پراید هم نداریم. اسنپ هم نمی‌گیریم و از فرزندانمان می‌خواهیم ما را تا جایی برسانند.» همسر این فرهنگی بازنشسته اما وقتی درباره زندگی ۱۳۷۵؛ شان صحبت می‌کند، حرف ۱۳۷۵؛ هایش نه تنهایی بویی از گلایه ندارد بلکه با غرور و رضایت درباره زندگی ۱۳۷۵؛ شان حرف می‌زند و آن را افتخار خود و شوهر معلمش می‌داند. برای همین در ادامه سخنانش می‌گوید: «ما قبل از خرید منزل دو قبر در بهشت زهرا خریدیم چون می‌دانستیم آخر راه ما همانجا است.»

همسر این معلم به قناعت و درستکاری همسرش هم اشاره دارد و می‌گوید زمانی به ایشان به خاطر ماموریت ۱۳۷۵؛ هایش حقوق به دلار می‌دادند ولی او با قطار می‌رفت تا پول مملکت زیاد هزینه نشود. همین‌جا است که این معلم در حالی که سرش را پایین انداخته و دست ۱۳۷۵؛ های چروکیده‌اش را بر روی زانوهایش نهاده است می‌گوید همه این کارها برای رضای خدا بوده و امیدواریم خدا راضی باشد.

خانواده این معلم که همگی سید هستند خدا را شکر می‌کنند و می‌گویند: ما با همین حقوق معلمی مکه، کربلا و مشهد هم رفته‌ایم.

سیدضیالالدین صدری به خاطر کسالت، شش ماه است از منزل خارج نشده و مشغول کارهای روزمره در خانه است. او می‌گوید: «قبل از کسالتم به خانواده ۱۳۷۵؛ ها در مراکز مشاوره می‌دادم.» صدری از سال ۱۳۲۰ به استخدام آموزش و پرورش درآمده است. تاکنون دو دوره چهارساله و شش ساله نیز رئیس انجمن اولیا و مربیان بوده است.

وزیر آموزش و پرورش هم اما به گذشته فعالیت درخشان دکتر صدری در آموزش و پرورش اشاره می‌کند و فعالیت در این حوزه را نعمت می‌داند. او آخرین فعالیت ۱۳۷۵؛ های خود را در حوزه بازنشستگان در استان آذربایجان شرقی برای دکتر صدری بازگو می‌کند، فعالیت ۱۳۷۵؛ هایی در حوزه بازنشستگان که باعث ترغیب این معلم بازنشسته شد تا از نزدیک از آن ۱۳۷۵؛ ها بازدید کند.

این دیدار هم با اهدای یادبودی از سوی وزیر آموزش و پرورش به سیدضیالالدین صدری و بازدید وزیر از کتابخانه این معلم بازنشسته به پایان رسید؛ اما فضای کتابخانه این معلم به گونه‌ای بود که ما را وادار به ماندن کرد تا بیشتر پای صحبت ۱۳۷۵؛ های دکتر صدری بنشینیم. کتابخانه ۱۳۷۵؛ ای که اکثر وسایل آن به شکل قلب بود و وقتی دلیل آن را جویا شدیم، همسر و دخترش از عاطفی بودن این معلم خبر دادند.

کتابخانه آقای صدری به گل‌ها و درختچه‌هایی آراسته شده با انواع کتاب‌ها، ضبط صوت و تلفنی قدیمی با عکس پدرش، تصویری از جوانی خود، تابلوهای زیبایی که خطاطی خود اوست، جانماز و مهر و تسبیح کنار میزش همه باعث شده تا دل‌کنندن از این فضا سخت باشد.

تابلوی بزرگ اتاق او خطاطی خود او به مناسبت هفته پیوند اولیا و مربیان است با تنها جمله‌ای که نوشته است: «از محبت خارها گل می‌شود». دکوراسیون اتاق مطالعه‌اش را خودش پیشنهاد داده است. نکته جالب‌تر آن‌که بر روی تعدادی از کتاب‌ها در قفسه‌ها نوشته شده است: امانت از طرف ... تا یادش بماند آن‌ها را برگرداند. در پایان از او می‌خواهیم با همان توانایی خود در خطاطی مطلبی برای‌مان به یادگار بنویسد و او دوباره مکتوب می‌کند: «از محبت خارها گل می‌شود».